

ریز و بقا



و از سویی برادرانش نیز او را ندید می‌گیرند، همانطور که در اجتماع هم می‌بینیم و این روزها حتی در خانواده‌ها از تباطات خواهر و برادری به خاطر توجه افراد به منافع شخصی شان کم‌رنگ شده است. اما یکی از چالش‌هایی که من با این کاراکتر داشتم این بود که در طول تمرینات و دور خوانی حس می‌کردم میزان گریه پری در طول اثر زیاد است اما آقای حدادیان معتقد بودند که این واکنش پری نسبت به مسائل اطرافش با توجه به کاراکتر او درست است. من تا زمانی که فیلم را روی پرده ببینم نمی‌دانستم که صفر تا صد کاراکتر چطور از آب درآمده ولی وقتی فیلم را روی پرده دیدم متوجه شدم که اعتمادم به آقای حدادیان کاملاً درست بوده است و خیلی احساس رضایت کردم.

آیا به غیر از چالش نقش‌پردازی با چالش دیگری مواجه بودید؟

حقیقتاً نه، گروه فیلم «حبس مجرد» یک گروه بسیار همدل و همراه بودند و تمام بچه‌ها با عشق سر کار می‌آمدند و این همراهی و عشق سر کار واقعا موج می‌زد و دیده می‌شد. حال همه بچه‌های گروه خوب بود به همین علت در کنار این افراد کار کردن خیلی تجربه لذت بخش و شیرینی بود.

سخن پایانی

خیلی دوست دارم که مردم این فیلم را در سینما ببینند و از سینمای مستقل حمایت کنند و از همه مهمتر اینکه امیدوارم از فیلم اولی‌ها حمایت بیشتری شود. من این روزها کارگردانان جوان فیلم امیدوارم که بیشتر به آنها بها داده شود و بیشتر دیده شوند. من کار کردن در سینمای مستقل را خیلی دوست دارم و بازی در فیلم کوتاه برایم بسیار شیرین و لذت بخش است به همین علت فکر می‌کنم که باید شرایط و زمینه مناسب برای بچه‌های فیلم‌های هنر تجربه و فیلم اولی‌ها فراهم شود.

مهدی کوشکی:

ما انسان‌هایی با شانه‌های گرفته هستیم

کدام بخش کاراکتر وحید برای شما جذاب بود؟

فرار یک انسان بخاطر قضاوت‌هایی که در مورد او می‌شود برای من خیلی جالب بود. وحید با اینکه آدم زمختی به نظر می‌رسد از درون دلی نازک و پراز تردیدی دارد. سطح بیرونی شخصیت او لات و زمخت به نظر می‌رسد اما درونش کاملاً متفاوت است. وحید دلش می‌خواهد که قوی به نظر برسد ولی به دلیل اینکه مدام مورد قضاوت قرار گرفته پر از تردید و زخم است، این بعد این کاراکتر برای من بسیار جالب بود و در آوردن چنین فضایی برای بازی این نقش هم سخت بود.

وحید کاراکتر درونگرایی است و نزدیک شدن بازیگران به چنین کاراکترهایی شاید سخت‌تر هم باشد. مسیر نزدیک شدن و خلق این کاراکتر برای شما چگونه بود؟

عموماً من یک بار فیلمنامه را می‌خوانم و اگر فیلمنامه را دوست داشته باشم دیگر آن را نمی‌خوانم و سعی می‌کنم با یک کانسپت کلی به فیلمنامه نگاه کنم مگر اینکه ببینم در جزئیات تفاوت‌هایی در اجرا ایجاد می‌شود که در این لحظات باید دوباره به فیلمنامه رجوع کنم. من در ویژگی‌های بدنی این کاراکتر به یک گرفتگی رسیدم، یک گرفتگی که در ناحیه کمر او وجود داشت. در مدیتیشن عموماً از فرد می‌خواهند که آن گرفتگی و تنشی که در بدنش است را با رهاسازی شانه‌هایش خالی کند. به نظرم ما انسان‌هایی با شانه‌های گرفته هستیم انسان‌های زیادی که شانه‌هایی گرفته‌از بار استرس دارند و زیر بار زندگی یک بدن پر تنش را حمل می‌کنند. من وقتی کاراکتر وحید را بازی می‌کردم احساس می‌کردم که وحید شانه‌های خمیده و گرفته دارد و پس از آنکه فیلمبرداری تمام می‌شد اغلب شانه درد می‌گرفتم. وحید فردی است که در مورد او بسیار صحبت می‌کنند اما خود او دچار لکنتی ناگهانی است که به او اجازه نمی‌دهد حرف‌هایش را به درستی منعقد کند و همه آن حرف‌ها و قضاوت‌هایی که در موردش انجام شده باعث لکنت او شده است. برای او روزنه‌امیدی که بماند و نواقصش را برطرف کند وجود ندارد به همین دلیل هم او به فرار می‌اندیشد.

سخن پایانی

آدم نمی‌تواند از کار خودش تعریف کند اما من این فیلم را قلباً دوست دارم و جزو فیلم‌هایی است که وقتی در سینما دیدم احساساتی شدم. دوست دارم و تلاش می‌کنم در اکثر اکران‌ها باشم و با مخاطبان در مورد فیلم گفت‌وگو کنم. دیدن ری‌اکشن مخاطبان نسبت به کار برایم بسیار جذاب است و خوشحالی می‌شوم اگر مخاطبان بیایند و از این نوع سینما یعنی سینمای مستقل که پشتش سرمایه آنجانی وجود ندارد و به همین دلیل امکان تبلیغات گسترده‌ای نیز ندارد، حمایت کنند.

در فیلم بعدی هم با همین سبک و سیاق جلو خواهیم رفت ولی با یک مقدار تغییرات، تدوین سر ضرب‌تر و پلان‌های بیشتر.

سخن پایانی:

به نظرم «حبس مجرد» یک فیلم زنانه است و جدا از اینکه قصه مردی را روایت می‌کند که در زندان اعمال خودش اسیر شده به طور موازی قصه زنی را مطرح می‌کند که در برابر مردهای قصه ما که همه می‌خواهند به هدف خود برسند، می‌ایستد. این زن به کمک زن‌های دیگر این داستان و باشجاعت و پشتکارش در نهایت موفق می‌شود که به هدفش برسد. از مخاطبان خواهش می‌کنم برای بیشتر دیده شدن یک فیلم زنانه و فیلمی که سعی می‌کند جایگاه زن را در جامعه بیشتر نشان دهد، زنی که تا حد توانش تلاش می‌کند تا جلوی مردسالاری بایستد حمایت کنند. «حبس مجرد» فیلمی مستقل است، در سینماهای محدودی اکران می‌شود و ما هم از نظر بودجه و هم از نظر روزهای فیلمبرداری محدودیت‌هایی داشتیم به همین علت بابت هر کم و کاستی که ممکن است داشته‌باشد از مخاطبان عذر خواهی می‌کنم. در پایان دوست دارم از عواملم که در شرایط سخت و پیچیده مرا همراهی کردند تشکر کنم، این فیلم حدود ۴ سال به دلایلی اکران نمی‌شد و در نهایت با تلاش‌ها و کمک گروه سینمایی هنر و تجربه به اکران رسید.

یلدا عباسی:

امیدوارم به فیلم اولی‌ها بیشتر بها داده شود

از جذابیت نقش پری و نقش‌پردازی آن بگوئید

پس از صحبت‌هایی که با آقای حدادیان در مورد نقش پری داشتیم به این نتیجه رسیدیم که پری بخاطر ازدواج ناموفقش کمی مشکلات روحی دارد. به خاطر این طلاق در اجتماع هم صدماتی به او وارد شده

کردم نیز این چنین برمی‌آید که همان ردی که در فیلم‌های کوتاه‌ها وجود داشته در این فیلم بلند هم دیده شده است. قطعاً راه خودم رو در این سینما پیدا می‌کنم.

در فیلمبرداری کار از دوربین روی دست استفاده کرده‌اید، دلیل انتخاب این نوع فیلمبرداری چه بود؟

بله تقریباً ۹۹ درصد کار به صورت دوربین روی دست کار شده است. ابوالفضل نباتی مدیر فیلمبرداری ما به نظرم یکی از بهترین مدیران فیلمبرداری است که تکنیک دوربین روی دستش واقعا فوق‌العاده است. من می‌خواستم فیلم کمی فضای مستندگونه به خود بگیرد و به واقعیت نزدیک شود. می‌خواستم به نقطه‌ای از ذهن مخاطب دسترسی پیدا کنم که او با توجه به اینکه می‌داند یک فیلم داستانی می‌بیند در ناخودآگاهش، این نقش را بگیرد که در حال تماشای یک مستند است. گویی یک سمت مغز او فشاری مبنی بر مستند بودن اثر ایجاد می‌کند و بخش دیگر ندای تماشای یک فیلم داستانی را سر می‌دهد. من به دنبال این بودم که آن فضا و زندگی را خیلی رئال تر نشان بدهم و دوربین نفس داشته باشد. به نظر من فیلمی که پلان‌هایش نفس دارد یا به قولی یک تکان ریزی دارد مخاطب را بیشتر همراه می‌کند چرا که ما خواهسته یا ناخواسته الگویی در ناخودآگاه‌مان از فیلم‌های دوربین روی دستی که از کودکی در خانواده‌های مان از مراسم‌های مختلف گرفته نقش بسته است. فیلم‌هایی که از طریق دوربین‌های هندی کم که در خانه بوده و روی دست فیلمبرداری می‌شده در یک جایی از مغز ما نشسته و برای ما قرار داد شده است. وقتی ما این تصاویر را می‌بینیم خواهسته یا ناخواسته یاد یک سری از تصاویری که از این طریق در ذهن ما نقش بسته است می‌افتیم و تصاویر انقدر آشنا خواهند بود که انگار خودمان آنها را فیلمبرداری کرده‌ایم و حال این تصویر به نظر ما خیلی رئال تر، مستندتر و طبیعی‌تر می‌آیند. فکر می‌کنم که